

# نقد خلق

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

جاده میوند - کابل

نمبر تلفون ---

آدرس تلگرافی "خلق"

تاسیس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

شماره یازدهم

سال اول

دو شنبه ۱۶ ثور ۱۳۳۰

بار دیگر مادر وطن همسوی مانگران است !!!

شنیدن خبر تمرکز پناکستان بر تهاجم باقی وجودم را به لرزه در آورد - ما خود گفتیم آیا ما اولاد همان نیاکان مرد و صاحب ناموسی نیستیم که بارها در میدان مبارزه به سیاه خونی در مقابل بزرگترین و اولترین دستگاه قدرت عمکری و دسایس داد مردی داده و با توان دست و دماغ خود حق مشروع زندگی خود را ثابت کرده اند؟ آیا یک دسته عساکر ساخلوی و افراد ملکی مادر مقابل دو نفر نرال و یکصد و چند نفر صاحب منصب و اردوهای منظم انگلیس و توپخانه و دسته های سواره قوی دشمن در میوند پناک همه پلان و پروژه حریفی شان غالب نشده و تا امروز تاریخ بیگانگان نام نامی آن مردان را با افتخار قید کرده است؟ آیا ما همین بزرگ و نامدار به پدران مرد و ما ناموس ما باج نداده و از خیبر یا بدرقه افغانی عبور نکرده اند؟ آیا قادر نظر به نوشته خود انگلیس ها یک افغان را به بیست نفر هندی از روی شهامت و غیرت مساوی تمید اند؟ آیا همان خون پاک و مقدس در عروق و شراین ما جریان نداشته و ما از مبارزه برای دفاع از توأمیس و شرافت ملی خود خوف داریم؟ بی و ملبون ها بار بی ! اولاد افغان از آمو تا سعد همان مردان فدا کار و ما ناموسی اند که در هر زمان بمقابل دشمن در خشان ملت افغان را که پدران ما با خون خویش در صفحه برای فدا کردن جان و مال خود حاضر بوده و باز هم میتوانیم تاریخ روزگار ثبت کرده اند مطالبه نمایند و یقین کنند که به آشوب طلبان و خائنین و اجیران دستگاههای دسیسه و استثمار در میدان مبارزه درام حقیقی و روشن را اگر بگردانیم و روشن را تا در پایی سند یک قضیه حیات را نمایی داده و بدینا ثابت کند که روح شهامت و مردی و ایثار در وجود اولاد افغان نمرده و تا جهان باقی است انشاء اله نخواهد مرد - باری ای هموطنان ! برای یک مرد با ناموس و ما شهامت ننگ است که حکومت پناکستان یا یک دسته اجیران و غلامان استبداد و استثمار بر خاک ما حمله نمایند و ما خاموش باشیم • بیائید از شاه جوان حیات خود را نوشته و از دشمنان ملی خود انتقامیکه تاریخ بان بنامزد بستانند • (محمودی)

و منور خود جدا در خواست نمائیم تا امر د هند به جنگهای زبانی و مشاجرات قلبی خاتمه داده و اجازه بفرمایند تا جوانان و شیر مردان افغان این لکه سیاه تجاوز و تخطی را از دامان پاک و ما شرافت ملت افغان با خون خویش شسته و ضرب و توهان با زوری افغانیت را به کسانی که پدران شان را هتوز در اعماق خاک سیاه از شدت آن میلرزند نشان داده و حقایق کهن را بار دیگر روشن سازند -

ای شاه عزیز و نامور ما ! ما از روی وجدان و شرافت عرض میمائیم که در مقابل تجاوز اجنبی و پلان های شوم استثمار برای حفاظت و صیانت توأمیس ملی جان و اولاد خود یعنی را با افتخار فدا ساخته و حاضریم با دشمنان روح شهامت - غیرت و وحدت فکر و عمل قوم افغان را در مقابل تجاوز دشمن و وطن ثابت سازیم - درست است ما از جاه و جلال مادی چیزی نداریم - راست است که ما تازه بدیمو کراسی آغا ز کرده و برای تئویر افکار خائنی و تقویه بثمان روحی قوم خود در داخل سخت مبارزه میمائیم - حقیقه است که ما اختلاف نظری داریم ولی این اختلاف فکر و نظر در همه دنیا موجود بوده ولی مرادف با شقاق و تفاق نیست - اما دشمنان افغانستان باید باری بخورد آیند - صفحات کارنامه های مردان فدا کار و ما ناموسی اند که در هر زمان بمقابل دشمن در خشان ملت افغان را که پدران ما با خون خویش در صفحه برای فدا کردن جان و مال خود حاضر بوده و باز هم میتوانیم تاریخ روزگار ثبت کرده اند مطالبه نمایند و یقین کنند که به آشوب طلبان و خائنین و اجیران دستگاههای دسیسه و استثمار در میدان مبارزه درام حقیقی و روشن را اگر بگردانیم و روشن را تا در پایی سند یک قضیه حیات را نمایی داده و بدینا ثابت کند که روح شهامت و مردی و ایثار در وجود اولاد افغان نمرده و تا جهان باقی است انشاء اله نخواهد مرد - باری ای هموطنان ! برای یک مرد با ناموس و ما شهامت ننگ است که حکومت پناکستان یا یک دسته اجیران و غلامان استبداد و استثمار بر خاک ما حمله نمایند و ما خاموش باشیم • بیائید از شاه جوان حیات خود را نوشته و از دشمنان ملی خود انتقامیکه تاریخ بان بنامزد بستانند • (محمودی)

نظر به آقای محترم مصوبی در باره اصولنامه مطبوعات: آقای محترم مصوبی شرحی که نمیتوان مع الاسف نظر به خوردی قطع نامه نداء خلق آن را نقل کرد بطور مقدمه نوشته و باز میگویند که درین اصولنامه توافقی و متحدی موجود میباشد لهذا به منظور ایفای یک فریضه ملی و جلب توجه مقامات تفتیشیه و اثباتیه دولت اینکه به تحلیل توافقی علاوه بر آن فرضا اگر ناطق عایدات یوهیه نداشته باشد موجوده در اصولنامه مطبوعات بی پروا ازیم ؟ آیا جریمه نشود؟

۱ - در فصل اول اصولنامه در حالیکه باید احکام اساسی و مخصوصا مقصد اصولنامه مطبوعات نیز ذکر میگردد تنها تصریفات در باره مطبوعات - مطبوعه - طابع - ناشر قابل سانسور نیست اما اگر شخص از راه مطبوعات مرجعیات نشر و توزیع روزنامه - مجله - نشرات موقرته - مدیر مسئول - ضرر فرد و یا جمعیت را فراموش نماید طبق مقررات این اصول صاحب امتیاز - اعلان - عایدات یوهیه بدون داشتن - نامه جزا داده میشود ( از طرف دیگر در تبصره اول همین رابطه با کدام ماده اصولنامه توضیح شده است - درجمله این تصریفات از همه اولتر جالب توجه تصریفی است و جمع به مطبوعات - زیرا چنانچه در اصولنامه تذکره رفتی در تعریف مطبوعات تمام روزنامه ها - جراید - مجلات و رسایل آن فلم های سینما که مطابق تصریفات اصولنامه از جمله موقرته کتب - رسم - ریکارد ها و فوتوگرافی - رادیو - سینما - تیتر - خطابه و غیره شامل شده است - تاجای ۳۶ قابل سانسور شناخته نشده است -

۲ - در ماده سوم فصل سوم شرایطی راجع به تکالیف اساسی و مخصوصا مقصد اصولنامه مطبوعات نیز ذکر میگردد تنها تصریفات در باره مطبوعات - مطبوعه - طابع - ناشر قابل سانسور نیست اما اگر شخص از راه مطبوعات مرجعیات نشر و توزیع روزنامه - مجله - نشرات موقرته - مدیر مسئول - ضرر فرد و یا جمعیت را فراموش نماید طبق مقررات این اصول صاحب امتیاز - اعلان - عایدات یوهیه بدون داشتن - نامه جزا داده میشود ( از طرف دیگر در تبصره اول همین رابطه با کدام ماده اصولنامه توضیح شده است - درجمله این تصریفات از همه اولتر جالب توجه تصریفی است و جمع به مطبوعات - زیرا چنانچه در اصولنامه تذکره رفتی در تعریف مطبوعات تمام روزنامه ها - جراید - مجلات و رسایل آن فلم های سینما که مطابق تصریفات اصولنامه از جمله موقرته کتب - رسم - ریکارد ها و فوتوگرافی - رادیو - سینما - تیتر - خطابه و غیره شامل شده است - تاجای ۳۶ قابل سانسور شناخته نشده است -

۳ - در ماده سوم فصل سوم شرایطی راجع به تکالیف اساسی و مخصوصا مقصد اصولنامه مطبوعات نیز ذکر میگردد تنها تصریفات در باره مطبوعات - مطبوعه - طابع - ناشر قابل سانسور نیست اما اگر شخص از راه مطبوعات مرجعیات نشر و توزیع روزنامه - مجله - نشرات موقرته - مدیر مسئول - ضرر فرد و یا جمعیت را فراموش نماید طبق مقررات این اصول صاحب امتیاز - اعلان - عایدات یوهیه بدون داشتن - نامه جزا داده میشود ( از طرف دیگر در تبصره اول همین رابطه با کدام ماده اصولنامه توضیح شده است - درجمله این تصریفات از همه اولتر جالب توجه تصریفی است و جمع به مطبوعات - زیرا چنانچه در اصولنامه تذکره رفتی در تعریف مطبوعات تمام روزنامه ها - جراید - مجلات و رسایل آن فلم های سینما که مطابق تصریفات اصولنامه از جمله موقرته کتب - رسم - ریکارد ها و فوتوگرافی - رادیو - سینما - تیتر - خطابه و غیره شامل شده است - تاجای ۳۶ قابل سانسور شناخته نشده است -

( بقیه در آتی )

مکاتیب وارده :  
۳۶۰ - ۲۹۲ - ۳۰

سر ماموریت پولیس کا پل شعبه  
مخصوص

آقای ولی احمد خان عطاشی مدیر مسئول جریده تداء خلق  
مدیریت امنیه وزارت داخله تحت مکتوب نمبر ۱۴۵ - ۲۹۲ - ۳۰  
خویش با اساس ارقامی نمبر ۱۶ - ۲۹۲ - ۳۰ مدیریت عمومی  
تشریات ریاست مستقل مطبوعات مینگارد - شاعلی غ نرسان  
در شماره هفتم تداء خلق تحت عنوان زمزمه خلق مضمونی  
نوشته که در آن متأسفانه بر خلاف ماده ۲۰ قانون مطبوعات  
درین جملات که میگوید ( حکومت حاضره ما اهلیت و استمداد  
ازاله و استیصال این مصائب و درد های ما را ندارد زیرا این  
حکومت امتحان خود را داده است و لژیونی ندارد و حتی دور  
از مصلحت است که از موده باز آزمایش میشود زیرا برای ترقی  
مملکت تنها نیک و لو موجود هم باشد کفایت نکرده و بلکه  
اهلیت - صداقت و کار داین هم لازم است ) مشخصیات تصریح  
صریح نموده است و لهذا بایست طبق ماده فوق مجازات  
شود \* ریاست مطبوعات با اساس قانون همچو جرایم مطبوعاتی  
تا ششماه حبس تعیین میکند به پاس این که نامبرده متسویب  
مصارف است حکم میکند که سه ماه حبس برایش کافی است -  
اصولاً بالا پیش تطبیق شود و مدیر مسئول جریده نیز که  
این جملات را بدون اصلاح نشر کرده است مطابق ماده  
( ۲۱ ) پانزده روز عایدات جریمه شود و چون همین شماره  
را از خوف سانسور نیز بر ریاست مطبوعات نفرستاده بودند -  
مطابق ماده ۱۲ دو ماهه عایدات دیگر نیز جریمه شود -  
قرار تشریحات فوق نظر یات ریاست مطبوعات حسب ماده ۴۶  
فصل چهارم اصلنامه مطبوعاتی جزای آن ها عملاً تطبیق  
شود - لذا جریمه مذکور را که عبارت از دو نیم ماهه عایدات  
شما باشد زود تر تحویل و رسیدش را بما گسیل کنید تا  
موجبه عرض تقدیم داده شود ( محل انشاء سرمامور )  
همو طغان گرامی ! یک ماه و چند روز از نشر این نامه ملی  
می گذرد عده زیادی از جوانان و افراد حساس بما حقایق  
را نوشته اند - اما از جمله مکاتیب و مضامین وارده چیزی که تا  
کنون نشر شده در اثر ان اولاً آقای محمد اصف خان محسنی  
و ثانیاً آقای غلام علی خان نرسان متصل صدف چهارم فاکر لته  
ساینس بدون محاکمه و بدون حق استیفاف حبس شده و آقای  
نراقی ( قرائن اظهار خود در ) طرد شده اند و طوریکه می  
گویند ولی ماقطاً بازار کرده نمیتوانیم اوامری صادر شده است

که دیگر مامورین دولت نباید با روزنامه های ملی همکاری  
نمایند - بر خلاف اظهار مکتوب مذکوره ما در همان روز  
نامه خود را بر ریاست مطبوعات فرستاده بودیم و ریاست  
مطبوعات صاحب امتیاز نامه را با استملا می نوییست -  
خواستہ ولی مو صوف نداشت که مقصودشان چه بوده و  
چه فرمایش داشتند زیرا در صحیفی که با ( ج ) محمد هاشم  
خان میرزاد وال رئیس مطبوعات نموده و از قصور قانون مطبوعات  
حرف زدند رئیس مو صوف گفته های صاحب امتیاز نامه را  
تا نبود فرموده و هم وضع بمبار با شرفنامه نمودند - کذا  
بار سوم است که مدیر مسئول نامه را بعد بریت عمومی تشریات  
جواب مینمایند و ازان ها ذریعہ استملا م رسمی سوالاتی  
می نمایند ولی خیلی تصحیب او است که استملا م را با و  
نداده و فقط در مقابل سوالات خود از وی استحضاری  
میگیرند و حتی خلاف قانون از هویت کسانی میسر شد که  
بر نوشته شان ایرادی هم ندارند و این نوشته خزیش  
را نیز رسماً بعد بر مسئول سپرده و بلکه در استملا میک  
نزد خود شان محفوظ است از وی استحضاری میگیرند -  
این است رو شو ندیمو کراسی در مملکت و مخالفت با قانون  
مطبوعات پس ما از همو طغان گرامی و نو یستدگان حساس  
تمننا داریم که چون مطابق ماده ۴۶ قانون مطبوعات تحقیق  
و قضات یعنی محاکمه عاین و ازاد وجود نداشته و ریاست  
مطبوعات خلاف قوانین همه دنیا و قانون اساسی افغانستان  
بدون محاکمه و تحقیق امر صادر میکند پس نو یستدگان می  
توانند نوشته های خود را از اداره تداء خلق رایس گرفته  
و خود را از خطر حبس بدون محاکمه و خلاف قانون نجات  
دهند - و اگر باز هم حاضر اند در مقابل اظهار حقایق  
ایدار و نجات نشان دهند پس تقاضا میکنیم که لطفاً همس  
کسانی که نوشته های شان تا کنون نشر نشده است با ر  
دیگر آورده خود را بما کنیا ارقام فر مایند ولی ما عالی رو من  
لا شهادت و تمام همو طغان گرامی خود و شهادت خود ای موافق  
اعلان و تمسید مینماییم که تا آخرین قطره خون خود پیش برای  
دفاع از حقوق مشروع ملی خود و همو طغان گرامی خود مبارزه  
نموده و شاد میگردیم اگر روزی با افتخار بگردیم  
حاصل عمر نثار ره یاری کسیر دم  
شایدیم از زندگی خویش که کاری کردیم  
( محفوظی - عطاشی )

قدیمی در راه رض سوء تفاهم :

مکتوب و ارده :

این نامه ایست که دانشمند گرامی شاغلی فیض محمد خان سابق وزیر معارف مربوط بمقاله که بمقام ( ف ۰ م ) در روزنامه رسمی انیس در روز ۹ و شنبه ۹ نور نشر شده و فردای آن بمده ( محمودی ) جوایی در آن باره نوشته بودم تحریر کرده اند - بمده بمقام عالی علی و شخصیت وزیر مو صوف معترف بوده و معتقد بوده و هستم که جناب شان ازین گونه اعمال خلاف قانون و پشت پرده بیزار بوده و آنرا از شان و شرف خود دور میداند - اگر مقاله بمده شایسته در نزد شان تولید کرده باشد بمده باین وسیله از جناب شان مصدرت خواسته و اینک نامه شان را هم عینا در این جا نقل میمائیم :

جناب برادر عزیز القدر محترم آقای دکتر محمودی !

شنیدم که اشتباهی ایجاد شده که مقاله ف ۰ م را بر علیه شما من نوشته باشم زیرا ف ۰ م مخفف اسم مست حالا که من ف ۰ م نیستم اگر چیز بنویسم بامضا فیضی کاپلی خواهم نوشته و هیچ ترسی از هیچ کس ندارم که اسم خود را جعلی شایع کنم - و هم میگویند که آن برادر ارجمند جوایی به مقاله ف ۰ م داده اید که راجع بمن میباشد - مقاله جواییه شما را مطالعه کردم آنهم بمن راجع نبود زیرا من فعال ما برید هیچوقت نبودم و نیستم نمیدانم ف ۰ م کیست و فعال ما برید شما چه کسی است ؟ خواستم باین نوشته اگر اشتباهی باشد از خاطر شمارغ شود - اگر لازم ببینید در جریده تداؤ خلق شایع کنید متن من میشود با احترام مورخه ۱۳ ثور ۱۳۳۰ ( فیضی کاپلی )

از حاشیه قاموس ملا نصر الدین -

کار و فعالیت - بلی - بلی و قربان صاحب گفتن - فارول کم نشین و یا عزت باشین را یاد داشتن .  
اقتضات محیط و تجربه - و سببه خوب دفاع برای عدم لیاقت و اهلیت و ادراک .

اطفال - بیچاره های که باز یگانه های شان کوجه های متعفن - هر از هزاران کثافت و مکروب است .  
پلان های چند ساله - نشر کلمات مطعطن و با شرنگه در رادیو و روزنامه ها - چند روز تلیفون ها و دویدنها و باز چند کاغذ سپاه را در خانه میز انداختن .

شاغلی لعل محمد خان احمد زئی

تطبیق قوانین را رجا می کنیم

قانون متشکل از الفاظ جامد است که خود بخود تاثیر کرده نمیتواند پس قانونی که وضع میشود وظیفه قوه اجرائیه میباشد که آن را جامعه عمل پویا شاعده و تطبیق کند و ان هم وقتی ممکن میشود که حکومت برای ملت و با انتخاب ملت باشد و به پشتیبانی و اعتماد ملت تشکیل شود .  
اگر چه راجع برواج تباه کن ازدواج در مملکت نشرات شد و لوایح پلاس گردید لیک در ساحه عمل و تطبیق هیچ اثر مثبت ان دیده نشد چون این رواج موجوده ازدواج - مخصوصا در عصر اتوم برای ملت ما نهایت شرمناک و تنگین است لهذا خواستم افکار مغربین و مقامات مسئول راه این طرف جلب نموده عرض نمایم که باین مصارف و مخارج کسر شکن تو یانه از یکطرف مقررات اسلا می پایمال و از جانب دیگر جوانان و دو شیرگان ما را بد بخت ساخته و به سیاه روزی و هزاران فجایع رهنمون میکند و حتی احتمال خود کشی درین رواج و رسوم موجوده ازدواج متصور است کذا سایر بد بختی ها و کسب کسب های فامیلی و طلاق ها از همین ناحیه نشئت میکند . پس اگر پدران طالب پول و خانه های لو کس در شهر نو و کارته و اسبام هانک باشند و دختر ۱۴ ساله خود را با شرایط متذکره به پیر هفتاد ساله بد هند طبعما سیاه روزی بار آورده و جوانان صاحب تربیه و تعلیم که فاقد همه چیز اند در اثر همین سابق بختیات و رشوه خواری مجبور می شوند - در حالیکه اگر قوانین موضوعه ما در طاق فراموشی گذاشته شده و قوه اجرائیه ماتتواتد درین راه کو چگونین قدیمی بر دارد پس بر جوانان بیندار و افغان است که برای جلوگیری این رواج تباه کن خواه به وسیله تملیفات و خواه بواسطه حسد احزاب ملی و مجاهده اد رین راه اقدام کنند و الا از فساد جوانان جامعه بر باد و تباه میگردد .

اشترک

کابل	:	۴۰	افغانی	سالانه
ولایت	:	۴۵	د	د
خارج	:	۵	دالر	د

قیمت يك شماره ۵۰۰ پول

مطبوعه - گمستنر شخصی تداؤ خلق - کابل